

تحلیل سیستم فعل در لهجه سده‌ای

بقلم: دکتر بهرام فره‌وشی

معلم دانشکده ادبیات

در تابستان سال ۱۳۳۸ در نواحی مختلف شمالی و مرکزی ایران بجمع آوری و تحقیق در لهجه‌های ایرانی پرداختم. چند گاهی در سده اصفهان بسر بردم و لهجه آن سامان و آداب و رسوم مردم آن ناحیه را جمع آوری کردم. در بازگشت با روبا در سال ۱۳۳۹ در هنگام اقامت در «برن» Berne در این مواد بررسی و تحقیق پرداختم و دستور زبانی برای گویش سده‌ای فراهم آوردم. در تیر ماه سال ۱۳۴۰ آقای پرفسور بنونیست Benveniste استاد ارجمند زبانهای هندواروپایی در دانشگاه پاریس و کلژ دو فرانس و رئیس اطلس زبان شناسی ایرانی از من خواستند که نتیجه مطالعات خود را درباره یکی از لهجه‌های ایرانی، ضمن کنفرانسی در مدرسه تبعات عالییه دانشگاه پاریس شرح دهم. این کنفرانس درباره سیستم فعل در لهجه سده‌ای از نظر نکات تازه‌ای که در برداشت مورد توجه ایشان واقع گشت و مرا با انتشار آن مشوق آمدند. اینک این گفتار، ترجمه‌ای از خلاصه آن کنفرانس است.

سده Sedeh در ۱۲ دیلومتری مغرب اصفهان واقع شده است و چنانکه نام آن مینماید بر نوب است از سده بنامهای خیزون xizun، پریشون Perisun و بنسفئون Benesfoun ربا بنا بر نوشته دفا تر رسمی: ورنوسفادران (Varnosfâderân). لهجه مخصوص سده تنها در ناحیه بنسفئون که در حدود ۲۰۰ نفر جمعیت دارد و آبادترین و پر فعالیت ترین ناحیه سده است تکلم میشود.

لهجه سده‌ای مانند بسیاری از لهجه‌های دیگر ایرانی، سیر تحول خود را بطور منظم و بدون تأثر زیاد از فارسی دری و بموازات آن ادامه داده و بپایه امروزی خود رسیده

است. هنوز بسیاری از باقی مانده های افعال و لغات باستانی در دستور زبان و مجموعه لغات آن دیده میشود و نیز دارای مختصاتی است که در لهجه های شبیه بان دیده نمیشود. از نظر تقسیمات لهجه شناسی ایرانی، لهجه سده ای جزء گروه لهجه های مرکزی ایران است و با لهجه یهودیان اصفهان (۱) و مردم ناحیه گز اصفهان (۲) خویشاوندی نزدیک دارد. و این سه لهجه را میتوان جزء دسته کوچکتری در بین گروه لهجه های مرکزی جای داد.

تحلیل سیستم فعل

(Analyse du système verbal)

فعل در گویش سده ای دارای یک یاد و رادیکال radical و چندین thème است. در افعالی که دارای یک رادیکال هستند، تمام زمانهای فعل با رادیکال زمان حال اخباری ساخته میشود؛ ولی در افعال دو رادیکالی، فعل دارای دو رادیکال است: رادیکال زمان حال présent و رادیکال ماضی préterit. در این دسته از افعال، زمان حال اخباری و زمان ساده وجه التزامی و وجه امری با رادیکال زمان حال اخباری ساخته میشوند و ماضی استمراری، ماضی ساده و اسم مفعول و تمام زمانهایی که با اسم مفعول صرف میشوند با رادیکال ماضی ساخته میشوند.

۱- مثال از افعالی که دارای یک رادیکال هستند:

| | |
|--------|-----------|
| feresn | فرستادن |
| gat | گردیدن |
| aas | نگاه کردن |
| pas | پرسیدن |
| mâl | فرار کردن |

۲- مثال از افعالی که دارای دو رادیکال هستند:

| رادیکال حال | رادیکال ماضی | |
|-------------|--------------|----------|
| ferâs | ferât | فروختن |
| ker | kat | کردن |
| al | âst | رها کردن |

۱- برای شناختن لهجه یهودیان اصفهان نگاه کنید به:

R. Abrâhâmian: Dialectes des Israélites de Hamadan et d'Ispahan, Paris 1936

۲- درباره لهجه گز نگاه کنید به: «مواد برای تحقیق در لهجه شناسی ایرانی» تألیف و کوشش

Žukovski، جلد دوم: پترو گراد ۱۹۲۲

| | | |
|-----|------|-------|
| ver | vast | گذشتن |
| mer | mat | مردن |
| šûr | šost | شستن |
| rez | ret | ریختن |

در افعالی که دارای دو رادیکال هستند، گاهی دو رادیکال کاملاً بایکدیگر متفاوتند:

دیدن = (رادیکال ماضی) -di ، (رادیکال حال) -vên

ولی اغلب رادیکال ماضی از روی رادیکال حال ساخته میشود و این دسته از افعال را

میتوان بگروهی چند تقسیم کرد :

در گروهی یک حرف t با آخر رادیکال حال افزوده میشود و رادیکال ماضی را میسازد:

گفتن = (ماضی) -vat ، (حال) -va

در گروه دیگر t جانشین حرف بی‌صدای آخر (consonne finale) رادیکال میشود:

داشتن = (ماضی) -dât ، (حال) -dâr

در گروه دیگر عمل فوق با تغییر حرف مصوت رادیکال (voyelle radicale) انجام

میشود:

سوختن = (ماضی) -sot ، (حال) -suz

در گروه دیگر t بر رادیکال حال افزوده میشود و حرف بی‌صدای آخر رادیکال را تغییر

میدهد:

نشستن = (ماضی) -nist ، (حال) -nik

در گروه دیگر حروف ft بوسیله یک حرف مصوت رابط (voyelle de liaison)

به رادیکال حال افزوده میشود:

شنیدن = (ماضی) -asnoft ، (حال) -ašn

تحقیق در این افعال نشان میدهد که هر ریشه racine دو رادیکال میدهد و ساختمان

این رادیکالها نیز دارای نظم خاص است.

پیشوندهای فعلی

(Préverbes)

پیشوندهای فعلی وظیفه مهمی در تصریف افعال دارند، خاصه در افعالی که دارای

دو نوع ضمیر متصل désinence هستند.

بعضی از افعال همیشه دارای پیشوندهاستند و برخی دیگر در بعضی زمانها یا در موقع

قبول جزء نفی، پیشوند می‌پذیرند.

مثال از فعلی که در صرف منفی پیشوند پذیرفته است :

شدم essâm

نشدم ve-n-assâm

گاهی پیشوندها در اثر قلب métathèse، ضمائر متصل شخصی را در میان خود جای میدهند. مثال:

می‌شنیدم = ve-m-r-âsnofte که در اصل بوده است ver-m-âsnofte

و-m- که ضمیر است در داخل پیشوند ver- قرار گرفته است.

پیشوندهای عمده عبارتند از:

be- که در اثر پیرامون فونتیکی حرف مصوت آن گاهی تغییر می‌یابد و بصورت bi-

bu- و bo- ظاهر میشود:

فروختم be-m-ferât

de- که در اثر پیرامون فونتیکی بصورت da هم دیده میشود:

پیچاندم de-m-pü-ca

e- : گذاشتم e-m-na

i- : بنشین i-nike

ve- که بصورت va نیز ظاهر میشود:

فرستادم ve-m-feresnâ

ver- : بشنو ver-asne

ضمایر شخصی

(Désinences personnelles)

ضمایر شخصی متصل دو نوعند: عده‌ای که فقط با آخر تم فعل افزوده میشوند که آنها را دزینانس شخصی désinences personnelles مینامیم. دسته دیگر که اصولاً ضمایری هستند که در حالات غیر فاعلی cas obliques بکار میروند و آنها را پسوند شخصی میتوان نامید ولی در واقع انفیکس شخصی، infixe personnel هستند. این پسوندها بین پیشوند و تم قرار میگیرند.

معمولاً افعال لازم intransitif دزینانس شخصی می‌پذیرند:

افتاده‌ام dakafta-ân

افتاده بودم dakafte bo-m

۱- infixe را بفرینه پیشوند و پسوند، میتوان «میان وند» نامید.

| | |
|---|------------|
| besta-ân | رفته‌ام |
| beste bo-m | رفته بودم |
| وافعال متعددی transitif دارای پسوند شخصی هستند: | |
| va-m-daštö | دوخته‌ام |
| va-m-daste bo | دوخته بودم |
| برخی افعال نیز می‌توانند با هر دو نوع ضمیر صرف شوند | |

طرز ساختمان زمانها

زمان حال Présent

زمان حال اخباری اتماتیک athématique است، یعنی ضمائر شخصی مستقیماً و بدون واسطه مورفم اتماتیک morphème thématique بر ادیکال فعل می‌پیوندند. فرمول ترکیب این زمان چنین است:

رادیکال + ضمیر شخصی + مورفم e استمراری

(radical + désinence personnelle + morphème e)

ضمائر متصل شخصی عبارتند از:

| | | | |
|-----|---|--------|-----------------------------|
| (۱) | ۱ | -ân-e | } فرم مختصر (forme réduite) |
| | ۲ | -i-e | |
| | ۳ | -u-e | |
| | ۴ | -im-e | |
| | ۵ | -id-e | |
| | ۶ | -end-e | |

ضمائر جمع دارای دو فرم مختصر و کامل هستند. فرم کامل ضمائر جمع چنین است:

| | |
|---|---------------------------------|
| ۴ | -imun-e |
| ۵ | -idun-e (forme pleine) فرم کامل |
| ۶ | -endun-e |

مثال:

| | |
|-------------|----------|
| mu ker-ân-e | من میکنم |
| to ker-i-e | تو میکنی |
| un ker-u-e | او میکند |

۱- اعداد ۳، ۲، ۱ علامت اول شخص، دوم شخص و سوم شخص مفرد است و اعداد ۴، ۵، ۶

علامت اول شخص، دوم شخص و سوم شخص جمع است.

مامیکنیم (ker-imun-e) یا âmâ ker-im-e

شما میکنید somâ ker-id-e

ایشان میکنند unâ ker-end-e

عده کمی از افعال که بیشتر مورد استعمال بوده اند e انتهای خود را از دست داده اند

مانند: dâr-ân من دارم

زمان حال دارای پیشوند نیست و همین امر ملاک تشخیص آنست

ماضی ساده prétérit

ماضی یکی از زمانهای تماتیک thematic است و تم آن تشکیل میشود از رادیکال باضافه حرف تماتیک (morphème thématique â) و ساختمان آن بر سه نوع است.

۱- ضمائر شخصی (دزینانس) با آخر تم افزوده میشوند و این ضمائر که اندکی با ضمائر زمان حال تفاوت دارند عبارتند از:

۱ -m

۲ -i

۳ -zero (صفر)

۴ -im (un)

۵ -id(un)

۶ -ind (un)

پس فرمول این دسته چنین است: پیشوند+تم+ضمائر شخصی

(préfixe+thème en â+desinence personnelle)

مثال: be-mun-â-m ماندم

۲- فرم دیگر مرکب است از پیشوند+پسوند شخصی+تم

(préfixe+infixe personnel+thème)

در این فرم گاهی تم حرف â تماتیک خود را از دست میدهد

مثال با حرف تماتیک دزدیدم be-m-dozz-â

مثال بی حرف تماتیک شستم be-m-šost

۳- در این فرم ضمائر شخصی با آخر مفعول افزوده میشوند و تم بدون ضمیر (دزینانس)

۱- فرم تماتیک آنست که در آن رادیکال با واسطه حرفی که آن را حرف تماتیک مینامیم به ضمائر شخصی متصل به پیوند و فرم اتماتیک آنست که رادیکال بی واسطه حرفی به ضمائر به پیوند.

ظاهر میشود باین ترتیب: (complément-préfixe+thème)

مثال: بشوهرش گفت $xo\ mîrey\text{-}oi\ bevât$

فعل ماضی همیشه دارای پیشوند است.

Imparfait ماضی استمراری

این زمان دارای دو حرف تماتیک است یکی e و دیگری aa (۱) برسه نوع است:

۱- فرمی که ساخته شده است از تم+پسوند شخصی+مورفم e

(thème+infixe personnel+morphème e)

پسوندهای شخصی در این دسته عبارتند از:

۱ -m

۲ -d

۳ -y

۴ -mun

۵ -dun

۶ -yun

مثال با حرف تماتیک e: می‌آوردم $âte\text{-}m\text{-}e$

مثال با حرف تماتیک aa: می‌ایستادم $v\text{-}essaa\text{-}m\text{-}e$

حرف e که در آخر ماضی استمراری و همچنین در آخر زمان حال دیده میشود، فرم گذشته‌ای است از یک i قدیمی که در زبانهای فارسی باستان و اوستایی و سانسکریت نیز دیده میشود و یک فونم هند و اروپایی است و ادامه عمل را میرساند.

این i در زبان فارسی بصورت می i-m که مخفف همی ham-i است در زمان حال اخباری دیده میشود، مثل: می‌کنم، می‌روم و غیره، و بصورت i در آخر ماضی استمراری در فرم‌های کهن متون فارسی دیده میشود:

گر آنها که دانستمی کردی نکو سیرت و پارسا بودی

۲- فرم دیگر که تنها در چند فعل دیده میشود مرکب شده است از:

پیشوند+پسوند شخصی+تم (préfixe+infixe personnel+thème)

مثال: می‌نوشتم $be\text{-}m\text{-}neveste$

۳- فرم دیگر که در جمله‌ها دیده میشود مرکب است از پسوند شخصی که بوسیله یک

۱- این فونم در لهجه‌های دیگر نیز دیده میشود و کریستن سن درباره آن می‌نویسد: این a چنان بلند است که بصورت دو a کوتاه و یا یک کوتاه و یک بلند شنیده میشود. نگاه کنید به:

Christensen, Contribution à la dialectologie iranienne, vol. 1, P. 40.

مصوت رابط (voyelle de liaison) با آخر مفعول متصل میشود و سپس تم آورده میشود.
(complement-infixe personnel-thème) مثال :

پول قرض میدادم pül-om qarz etaa

وقتی ماضی استمراری را خوب تحلیل کنیم، می بینیم که تم ماضی استمراری همان تم اسم مفعول است (participe passé) که در زمانهای مرکب دیده میشود. بنابراین، این زمان در حقیقت ماضی استمراری مرکب (imparfait composé) است مثل: می رفته ام و می کرده ام که در لهجه تهرانی کمتر استعمال میشود. لهجه سده ای ماضی استمراری ساده ندارد.

ماضی نقلی Parfait

ماضی نقلی از زمانهای بسیار پیچیده سیستم فعل سده ای است و دارای پنج فرم است. این زمان مرکب است از اسم مفعول و ضمائر شخصی، و طرز ساختمان آن چنین است:
۱- ضمائر شخصی (دزینانس) با اسم مفعول افزوده میشوند. ضمائر شخصی در این فرم عبارتند از :

۱ -ân

۲ -i

۳ -ö

۴ -im

۵ -id

۶ -ind

bume-ân

مثال :

این فرم در حقیقت اسم مفعولی است که با فعل معین «هستن» صرف میشود و در اثر کثرت استعمال، h یعنی اسپیراسیون aspiration فعل معین هستن از میان رفته است:
باین ترتیب :

bume-hân > bume-ân

آمده ام

bume-hi > bume-i

آمده ای

bume-hu > bume-u > bum-eu > bumö

آمده است

چنانکه دیده میشود ö در سوم شخص مفرد یک فونم اصلی نیست و از ترکیب e مصوت تماتیک اسم مفعول با u مصوت فعل «هستن» بوجود آمده است.

۲- این فرم شبیه به فرم قبلی است، فقط در سوم شخص مفرد دارای دزینانس صفری است و حرف تماتیک کشیده شده است. در فارسی محاوره ای نیز سوم شخص مفرد ماضی نقلی

دارای دزینانس صفر است و «رفته» بجای «رفته است» گفته میشود.

مثال : برخاسته ام ۱- verossa-ân

۲- verossai

۳- verossaa-

۳- این فرم ساخته شده است از پیشوند+ پسوند شخصی+ اسم مفعول مختوم به aa
(préfixe+infixe personnel+particive passé en aa)

مثال : پرسیده ام be-m-passaa

۴- این فرم مانند فرم ۳ است، فقط اسم مفعول مختوم است به ö

مثال : be-m-vât-ö

ترکیب این فرم را ممکن است بوسیله طرز ترکیب مجهولی (construction passive) آن تبیین کرد. این فرم از فعل «کردن» وقتی تجزیه گردد چنین میشود:

par moi est fait بوسیله من کرده شده است

par toi est fait بوسیله تو کرده شده است

be-m-kat-e-u من درده ام

be-d-kat-e-u تو کرده ای

چنانکه دیده میشود در همه اشخاص، u که بازمانده hu سوم شخص مفرد از فعل معین «هستن» است با مورفم e انتهائی اسم مفعول ترکیب میشود و ö میدهد.

e-u > -eu > -ö

باید در نظر داشت که همین شخص در اینگونه افعال، پسوند شخصی است نه ضمیر شخصی (دزینانس).

۵- در این فرم، پسوند شخصی بعد از اسم مفعول قرار میگیرد و پس از آن حرف ö یا u افزوده میشود. مثال :

آورده ام bâte-m-u یا bâte-m-ö

این فرم فقط درد و فعل داشتن و آوردن استعمال میشود و فرم صحیح آن با u است و بواسطه تشابه با فرم قبلی گاهی با ö استعمال میشود.

ماضی بعید plus-que Parfait

این زمان مرکب است از اسم مفعول و ماضی فعل بودن، و دارای سه فرم است:

۱- ماضی فعل معین بودن با اسم مفعول افزوده میشود و فعل معین صرف میگردد.

(participe passé+prétérit du verbe être)

مثال : مانده بودم bemunaa bom
مانده بودی bemunaa boi

۲- فرم دیگر مرکب است از پیشوند+پسوند شخصی+اسم مفعول+تم فعل بودن
(préfixe+infixe personnel+participe passé+thème du verbe être)

مثال : رسیده بودم be-m-rasaa bo

۳- این فرم که فقط در دو فعل داشتن و آوردن دیده میشود مرکب است از :
پیشوند+اسم مفعول+پسوند شخصی+تم فعل معین بودن

(préfixe+participe passé+infixe personnel+thème du verbe être)

مثال : آورده بودم b-â te-m bo

وجه امری Impératif

رادیکال امر همان رادیکال زمان حال اخباری است. این فرم اتماتیک است و فقط یک زمان دارد. فعل امر همیشه دارای پیشوند است جز در فعل داشتن .

ضمایر شخصی (دزینانس) در امر چنین است :

۱ -e

۴ -im (un)

۵ -id(un)

گاهی در برخی افعال مانند گفتن ، بر اثر کثرت استعمال یا در اثر مشابهت با فارسی

دزینانس دوم شخص مفرد صفر میشود، مثل : بگو beva

گاهی نیز علاوه بر سقوط e در دوم شخص مفرد، حرف بی صدای انتهائی نیز حذف میشود مثال :
برخیز = vero، که در اصل verosse بوده است.

دزینانس e در آخر دوم شخص مفرد ممکن است همان e استمراری باشد و نیز چون ساختمان تم آن شبیه زمان حال است ، ممکن است در اثر تشابه assimilation با زمان حال پدید آمده باشد .

وجه التزامی Subonctif

زمان ساده این وجه مرکب است از : پیشوند+تم زمان حال+ ضمیر شخصی

(préfixe+thème du présent+déesinace personnelle)

ضمایر شخصی (دزینانس) همان ضمایر زمان حال اخباری هستند بدون e استمراری :

مثال : به بینم bevênân

این زمان همیشه دارای پیشوند است .

التزامی مرکب subjunctif composé ساخته میشود از اسم مفعول+التزامی

ساده فعل بودن (participle passé+subjonctif simple du verbe être)

مثال: آمده باشم bume bân

این فرم دارای شکل دیگری هست که مرکب است از پیشوند + پسوند شخصی + اسم مفعول + سوم شخص مفرد از فعل بودن

(préfixe+infixe personnel+participle passé+3ème p. s.g. du verbe être)

مثال: دیده باشم bi-m-die bu

زمانهای حال و ماضی مداوم (Present et imparfait progressif)

این دو زمان مطابق هستند با دو زمان présent and past continuous tense در زبان انگلیسی .

زمان حال مداوم ساخته میشود از زمان حال اخباری فعل معین داشتن و زمان حال

فعل اصلی (présent de l'auxiliaire avoir+présent du verbe principal)

در این زمان فعل معین بدون حرف e استمراری صرف میشود و غالب اوقات بوسیله

یک مصوت رابط o به فعل اصلی متصل میگردد. مثال: دارم میآیم dârân(o) yâne

معمولا ضمائر شخصی جمع دارای جزء un- نیستند.

ماضی مداوم تشکیل شده است از ماضی فعل معین داشتن که بوسیله مصوت رابط o به ماضی استمراری فعل اصلی افزوده میشود.

(prétérit de l'auxiliaire avoir+o+imparfait du verbe principal)

مثال: داشتیم میرفتم dâtom-o saame

مصدر Infinitif

مصدر در سده ای وجود ندارد و جمله هایی که در زبان فارسی بصورت مصدری استعمال

میشوند در این لهجه اغلب به جمله های التزامی (proposition completive au

subjonctif) ترجمه میشوند. مثلاً جمله «او بنا کرد به چیز خوردن» ترجمه میشود به

û benâi kat cî bexeru = او بنا کرد چیز بخورد .

معهدا یک نوع مصدر وجود دارد که بیشتر شبیه به یک نوع اسم معنی abstrait

است که یاد آور اسم معنی های پهلوی مختوم به ih است مثل کردن = bekeri ،

بودن = bebi که تشکیل شده است از پیشوند b و رادیکال زمان حال و پسوند i

(préfixe b+radical du présent suffixé d'un i)

۱- این نامی است که آقای پرفسور بنونیست Benveniste باین زمانها میدهد .

مثال : خواندن و نوشتن buxuni o benevesi
 مصدر مرخم (infinifif apocopé) بصورت دوم شخص مفرد حال التزامی ظاهر
 میشود. مثال :

در بسته را با لگد نباید شکست bar basse râ xo leke nembâs bamari

Negation نفی

جزء نفی در تم هایی که حرف اولشان مصوت است (initial vocalique) حرف n است
 و در تم هایی که حرف اولشان بی صداست (initial consonantique) حرف n بر حسب
 پیرامون فونتیکی توسط حروف مصوت مختلف به تم افزوده میشود .
 جزء نفی در زمان حال و ماضی استمراری که معمولاً دارای پیشوند نیستند ، قبل از
 تم قرار میگیرد. مثال :

نمیآورم n-ârâne ، میآورم ârâne

ولی اگر تم در زمانهای فوق از تم هایی باشد که همیشه پیشوند دارند ، جزء نفی
 بعد از پیشوند قرار میگیرد . مثال :

نمی اتم da-na-kkâne ، می اتم da-kkâne

در زمانهای دیگر که فعل با پیشوند صرف میشود ، جزء نفی جانشین پیشوند میشود.
 مثال : نرسیدم na-rasâm ، رسیدم be-rasâm
 در زمانهایی که فعل با پیشوند صرف میشود اگر تم در اصل دارای پیشوند باشد ،
 جزء نفی بعد از پیشوند قرار میگیرد . مثال :

نیافتادم da-na-kaftâm ، افتادم da-kaftâm

بعضی اوقات حرف نفی نمیتواند در فرم عادی داخل شود و فعل با فرم دیگری صرف
 میشود تا بتواند حرف نفی را بپذیرد :

نگاه کردم baasâm

نگاه نکردم na-m-aasâ

گاهی نیز جزء نفی در اثر قلب métathèse در داخل پیشوند قرار میگیرد. مثال :

برخاسته ام ver-ossaân

بر نخاسته ام ve-na-rossaân

افعال لازم، متعدی و کوزاتیف

Verbes intransitifs, transitifs et causatifs

فرق بین افعال لازم و متعدی از نظر فرم اینست که افعال لازم در زمانهایی که میتوانند

دو ضمیر بپذیرند، ضمیر شخصی *désinence personnelle* می پذیرند، در صورتیکه افعال متعدی هم ضمیر شخصی و هم پسوند شخصی *infixe personnel* می پذیرند. مثال:

فعل لازم مردم *bemat-âm*

فعل متعدی کردم *be-m-kat*

فعل کوزاتیف بوسیله افزودن جزء *n* بر ادیکال افعال لازم یا متعدی ساخته میشود.

مثال: *vass-aame* میدویدم

vas-n-aame میدواندم

فعل کوزاتیف در زمانهایی که میتوانند دو نوع ضمیر شخصی داشته باشند، همیشه با پسوند شخصی صرف میشود، بنابراین اگر از یک فعل لازم بخواهیم کوزاتیف بسازیم، باید ابتدا آن را بصورت افعال متعدی با پسوند شخصی بسازیم، سپس بر ادیکال آن حرف *n* اضافه کنیم.

گاهی فعل لازم برای متعدی شدن یا کوزاتیف شدن بر ادیکال خود را تغییر میدهد و معمولاً بر ادیکال ماضی تبدیل به بر ادیکال حال میگردد. مثال:

سوختم *be-sot-âm*

سوزاندم *be-m-suz-n-â*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی